مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، شماره ۱۱ ، بهار ۱۳۹۷، ص ۱۸۰- ۱۶۸
http://www.jhss.ir

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال سوم)
شماره ۱۱ / بهار ۱۳۹۷ / ص ۱۸۰- ۱۶۸

نشانگرهای اجتماعی- اقتصادی جرم: مطالعه موردی شهرستان مراغه- ایران

مرضیه طاهری[۱]، تهمورث بشیریه[۲]، عزیز رضاپور[۳،۴و۵]، وحید علی پور[۴]، سعید باقری[۴]

۱. کارشناس ارشد، گروه حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز. تهران. ایران

۲.استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز. تهران. ایران

۳.استادیار، گروه اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران. ایران

۴.مرکز تحقیقات علوم مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران. ایران

۵.قطب علمی آموزشی مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران. ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

عزیز رضاپور، تلفن: ۰۲۱-۸۸۱۹۱۷۰۵

rezapoor_a57@yahoo.com

چکیده

مقدمه: سیل فزاینده و پیچیدگی جرم در جهان، آن را به عنوان بحران و تهدید رو به رشد بشر درآورده و فرصت دولت ها را در راستای دست یابی به توسعه مطلوب محدود نموده و در عین حال هزینه‌های زیادی بر جامعه تحمیل می کند. این پژوهش به منظور تحلیل اثرات نابرابری های اجتماعی- اقتصادی بر ارتکاب جرم انجام گرفت.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۴ در شهرستان مراغه انجام شد. جامعه مورد مطالعه را در گروه های "شاهد" و "مورد"، به ترتیب افراد غیرمجرم و مجرم بالای ۱۸ سال تشکیل می داد. شیوه جمع آوری اطلاعات از طریق مصاحبه و مشاهده و ابزار جمع آوری آن پرسشنامه بود. برای سنجش نابرابری های درآمدی و ارتکاب جرایم از شاخص و منحنی تمرکز بهره گیری شده و برای تخمین اثرات فاکتورهای اجتماعی و اقتصادی بر شانس مواجهه افراد با ارتکاب جرم، از مدل لجستیک و نرم افزارهای Excel وStata11 استفاده گردید.

یافته ها: شاخص های تمرکز در توزیع درآمد (۰/۵۰۲۳۳۸) و توزیع ارتکاب جرم (۰/۷۸۳۱۰۵۶) در جامعه مورد مطالعه نشان داد توزیع درآمد عمدتا بر اقشار ثروتمند و در مقابل ارتکاب جرایم عمدتا بر فقیرترین اقشار تمرکز دارد. بر طبق نتایج مطالعه، فاکتورهایی مثل داشتن تحصیلات بالاتر، پایبندی مذهبی خوب در فرد و خانواده، شهرنشینی، داشتن والدین با تحصیلات بالاتر، واقع شدن خانوار در وضعیت های اقتصادی بالاتر، اشتغال فرد در بخش دولتی یا خصوصی، داشتن مادر شاغل، داشتن ملک شخصی و سایر دارایی های مهم شانس مواجهه با ارتکاب جرم را تقلیل و در مقابل، مطلقه بودن، داشتن سابقه محکومیت قبلی، داشتن سابقه فرار از خانه، دوستی با بزهکاران، داشتن اعتیاد و رفتارهای پرخطر، نابسامانی های خانوادگی، وجود رفتارهای خشونت آمیز در خانواده، داشتن سرپرست زن و داشتن بعد خانوار بیش از ۶ نفر، اشتغال فرد به مشاغل آزاد، کارگری و کشاورزی، داشتن پدر با شغل آزاد یا کشاورز، شانس مواجهه با ارتکاب جرم را در جامعه مورد مطالعه افزایش می دهد.

نتیجه گیری: مطالعه ما وجود نابرابری زیاد در توزیع درآمد و نیز ارتکاب جرایم را در جامعه مورد مطالعه به تصویر کشید و اهمیت کار بر روی نشانگرهای اجتماعی و اقتصادی مهم در جهت کاهش ارتکاب جرایم و ایجاد جامعه ای سالم را نشان داد.

کلید واژه ها: جرم، بزهکاری، نابرابری ارتکاب جرم، نشانگرهای اجتماعی و اقتصادی جرم.

مقدمه

ارتکاب جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی-تاریخی قلمداد می‌گردد که خارج از زندگی انسان ایفاء نقش ننموده و با تحولات تکنولوژیکی و اجتماعی همچنان در جامعه باقی است. وقوع جرم و قانون‌شکنی در جامعه، فرصت استفاده صحیح از منابع و امکانات اقتصادی به صورت سرمایه‌گذاری در تولید، آموزش و بهداشت را از دولت گرفته و آن را مجبور به استفاده از منابع در جهت مبارزه با جرم و کنترل آن می‌نماید که از این جهت بازدهی منابع کاهش می‌یابد و هزینه‌هایی بر جامعه تحمیل می‌شود. همچنین جرم هزینه‌هایی را بر قربانیان جرائم همانند از دست دادن وسایل زندگی، دارایی‌ها، هزینه‌های دادرسی تحمیل می‌کند.

تعدادی از مطالعات تجربی این سوال را به ذهن متبادر می‌کند که چگونه اقتدارات حاکمیتی و سیاست‌های پیشگیرانه می‌تواند به شیوه‌ای بهتر با جرم مقابله نماید. در این میان، متغیرهای گوناگونی مورد آزمون قرار گرفته‌اند: مانند افزایش تعداد نیروهای پلیسی(De Oliveira, 2003)، صرف پول برای تجهیز مناسب (Imohoroglu et al, 2000)، توسعه و گسترش زندان ها (Chiricos, 1987، Corman et al, 1987)، تشدید و افزایش محکومیت ها(Pudney et al, 2000، Funk et al, 2003) یا افزایش زندانی شدن افراد (Levitt, 1996)، ولی نتایج حاصل شده هنوز نگران کننده می باشد. به نظر نمی‌رسد اعمال صرف مجازات و محکومیت، شیوه‌های بسیار اثربخشی برای پیشگیری از جرم نسبت به سایر شیوه‌ها باشند، برای اینکه در بسیاری از پرونده‌ها، اقدامات مجرمانه منجر به بازداشت نمی‌شوند و بسیاری از بازداشت‌ها منتهی به محکومیت و حبس نمی‌گردند. در کنار این موارد باید یادآور شد یکی از مشکلات رایج کشورها در این نکته نهفته است که در بیشتر موارد به روشی انتزاعی و مجرد به مقابله با پدیده شوم جرم و بزهکاری پرداخته می شود و این موضوع منفک از بزهکار و شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی حاکم بر وی در پدیده ارتکاب جرم مد نظر قرار می گیرد.

اقدامات مناسب برای یک کاهش معنی دار و یک پیش‌گیری اثربخش از جرایم به یک امر اولویت‌دار در هر کشوری تبدیل شده است. هرچند که دلایل روشنی درباره ارتکاب جرم وجود ندارد ولی در اکثر مواقع اعمال جنایی از انواع مختلفی از انگیزه‌ها ناشی می‌شوند. در حقیقت، موارد زیادی با شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مرتبط بوده که فرد را به طرف اعمال جنایی سوق می‌دهند و لذا این عوامل کشورها را از همدیگر تمییز می‌نمایند.

ماده ۹۷ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به مسئله جرایم و آسیب‌های اجتماعی صراحتاً اشاره نموده است که بر اساس آن دولت مکلف است به منظور پیشگیری و کاهش جرایم و آسیب‌های اجتماعی نسبت به تهیه طرح جامعه کنترل کاهش جرایم و آسیب‌ها اقدام نماید(برنامه پنج ساله چهارم توسعه اقتصادی،اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران سال ۲۰۰۵).

آمار وقوع جرایم در کشور جمهوری اسلامی ایران در طی سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ نشانگر متوسط رشد سالانه ۳/۵۷ درصدی قتل و ۹/۱۸ درصدی سرقت می‌باشد که دارای رشد بیشتری نسبت به میزان رشد جمعیت می‌باشد(سالنامه آماری، مرکز آمار ایران:۱۳۸۱-۱۳۷۵). بر اساس آمار رسمی سازمان ملل، نرخ رشد جرایم در دنیا حدود ۵ درصد گزارش شده است. در صورتی که بر اساس گزارش معاونت اجتماعی پیشگیری از جرایم قوه قضاییه در کشور ایران سیر رشد ۱۳ درصدی پرونده‌های قضایی نگران‌کننده است و باید پیشگیری از جرم توسط مسئولان قضایی بیشتر مدیریت شود. امروزه سیل فزاینده و پیچیدگی جرم در جهان، آن را به عنوان بحران و تهدید رو به رشد بشر درآورده است.آمار زندانیان بر اساس گزارش معاونت اجتماعی پیشگیری از وقوع جرم در کشور در سال اخیر، رشد ۲۲ درصدی داشته است و به همین جهت افزایش جرم در ایران هشدار وجود جنگ خاموش در کشور است(www.farsnews.com).

واضح است وقوع جرایم برای حاکمیت و متولیان و مجریان قانون در کشور دارای هزینه‌های زیادی است تا آنجا که در اثر وقوع جرایم، بی-امنیتی در کشور ایجاد شده و حقوق شهروندان تضییع گشته و بی‌عدالتی ترویج می‌یابد. لذا بهتر است با اقدامات و مطالعات جرم‌شناختی، بسترها و زمینه‌های فراهم‌آورنده ارتکاب جرم در جامعه شناسایی شده و با رفع موانع، نسبت به تسکین و کاهش جرم‌خیزی اقدام شود؛ لذا لازم است سیاستگذاران با استناد به مطالعات مبتنی بر شواهد، در راستای ایجاد و توسعه جامعه‌ای امن در مقابل انحرافات اجتماعی که مسئله امنیت جامعه را به چالش کشیده و از سوی دیگر مانع توسعه‌یافتگی می‌گردند، به تدوین بسته‌ها و توصیه‌های سیاستی پرداخته و ضمن شناسایی و اولویت‌گذاری عوامل برانگیزاننده وقوع جرایم و انحرافات اجتماعی از طریق تعیین میزان اثرات آن‌ها، نسبت به مرتفع نمودن این موانع اقدام یا تلاش بیشتری نمایند.

با عنایت به اهمیت موضوع، این مطالعه در پی تحلیل اثرات نابرابری های اجتماعی- اقتصادی بر ارتکاب جرم در شهرستان مراغه(۱۳۹۴) انجام گرفت.

روش پژوهش

این مطالعه توصیفی- تحلیلی بوده و از نوع مطالعات مورد- شاهدی می‌باشد که در سال ۱۳۹۴ انجام شد. جامعه مورد مطالعه را در گروه های "شاهد" و "مورد" به ترتیب افراد غیرمجرم و مجرم بالای ۱۸ سال در شهرستان مراغه تشکیل می دادند. با در نظر گرفتن خطای نوع اول معادل ۵ درصد و ضریب اطمینان ۹۵ درصد، خطای نوع دوم ۰/۱ و توان مطالعه ۹۰ درصد، حجم نمونه جوابگوی مطالعه با $P_1 = 50\ \%$ و $P_2 = 35\ \%$ در گروه شاهد و مورد هر کدام ۱۳۰ نفر از طریق فرمول "برآورد مقایسه دو نسبت" برآورد گردید که برای افزایش دقت تخمین ها، در هر گروه مورد مطالعه حجم نمونه به ۱۷۰ نفر افزایش یافت.

$$n = \frac{(z_{1-\frac{\alpha}{2}} + z_{1-\beta})^2 \left[p_1(1-p_1) + p_2(1-p_2)\right]}{(p_1 - p_2)^2}$$

به دلیل این که ارتکاب جرم در سنین پایین تر از ۱۸ سال در گروه بزهکاری اطفال و نوجوانان طبقه بندی می گردد، جزء هدف این پژوهش نمی باشد. با در نظر گرفتن شرایط ورود به مطالعه که شامل مطالعه افراد مجرم و غیرمجرم بالای ۱۸ سال که به لحاظ دامنه سنی و نیز گروه جنسی همسان سازی یا مورد تطبیق و تعدیل واقع شده اند و در سال مطالعه نیز در شهرستان مراغه سکونت داشته اند، برای نمونه گیری از گروه مورد یا مجرمین شهرستان مراغه، فهرستی از مرتکبین جرائم مورد مطالعه در سال مطالعه در شعب دادگستری شهرستان مراغه تنظیم گردید. با توجه به اینکه حدود ۷ درصد مجرمین را زنان تشکیل می دادند، لذا این میزان از پرسشنامه ها در هر دو گروه برای افراد مونث و بقیه برای افراد مذکر در نظر گرفته شد. با تقسیم تعداد مجرمین بر تعداد حجم نمونه گروه مورد بر حسب هر دو جنس مورد مطالعه، عدد فاصله تعیین گردید. سپس با در نظر گرفتن عدد فاصله، افراد مورد مطالعه کدگذاری شده و مورد مطالعه قرار گرفتند. چنانچه فرد انتخابی برای مطالعه همکاری لازم را مبذول نمی داشت و یا از ارایه اطلاعات کامل امتناع می ورزید و یا غیرقابل دسترس برای جمع آوری اطلاعات بود، بلافاصله فرد بعدی از فهرست مجرمین کدگذاری شده انتخاب می گردید. در جامعه شاهد هم افراد غیرمجرم که سابقه هیچ جرمی را نداشته و در شهرستان مراغه زندگی می نمودند، بطور تصادفی از محیط پژوهش انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز پرسشنامه بود. به جهت روایی صوری پرسش نامه، از نظرات استاد راهنما و برخی از متخصصین امر اقتصاد و حقوق بهره گیری شد. در ارتباط با روایی محتوایی نیز متغیرهای مطالعه بر طبق جستجوهای انجام شده و مرور منظم مطالعات انجام گرفته پیرامون جرم شناسی و عوامل اثرگذار بر جرم شناسایی شدند. قسمت اول این پرسشنامه مشتمل بر اطلاعات زمینه ای، اجتماعی و اقتصادی افراد و قسمت دوم این پرسشنامه، در بر گیرنده سوالاتی در ارتباط با عوامل زمینه ای، اجتماعی و اقتصادی مرتبط با خانواده افراد مورد مطالعه می باشد. در مطالعه حاضر شیوه جمع آوری اطلاعات مورد نیاز، مصاحبه و مشاهده بوده است. اگر چنانچه امکان مصاحبه حضوری با افراد مجرم امکان پذیر نبود، به صورت تماس تلفنی اطلاعات مورد نیاز در پرسشنامه جمع آوری و ثبت می گردید.

برای نمایش وضعیت نابرابری اقتصادی در ارتکاب جرم از منحنی تمرکز در ارتکاب جرم استفاده و برای تعیین شاخص تمرکز در نابرابری اقتصادی ارتکاب جرم، از فرمول زیر بهره گیری گردید که در آن X_i بیانگر درصد تجمعی جمعیت بر حسب درآمد و y_i بیانگر درصد تجمعی متغیر وقوع جرم می‌باشد(عبادی فردآذر، رضاپور،۱۳۹۲).

$$C_i = 1 - \sum_{i=1}^{n} (x_{i+1} + x_i) + (y_{i-1} + y_i)$$

برای تخمین شانس مواجهه با ارتکاب جرم و ارتباط آن با متغیرهای اجتماعی-اقتصادی، از مدل لاجستیک و نرم‌افزار Stata11 بهره‌گیری شد. متغیر وابسته در این پژوهش، ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم می‌باشد که با ارزش صفر و یک نمایش داده شد. تخمین مدل با روش MLE انجام گرفت(Su et al, 2006).

برای تخمین مدل، عوامل اجتماعی- اقتصادی و سایر متغیرهای توضیحی اثرگذار بر ارتکاب جرم بر طبق جستجوهای انجام شده استخراج، دسته بندی و به ترتیبی که در جدول ۱ آمده است، ارزش گذاری گردید.

یافته ها

همانطور که منحنی لورنز و شاخص تمرکز در توزیع درآمد(۰/۵۰۲۳۳۸) در جامعه مورد مطالعه نشان می دهد، توزیع درآمد عمدتا بر اقشار ثروتمند تمرکز داشته و نابرابری بسیاری از این حیث بین اقشار ضعیف و مرفه اجتماعی وجود دارد.(نمودار ۱)

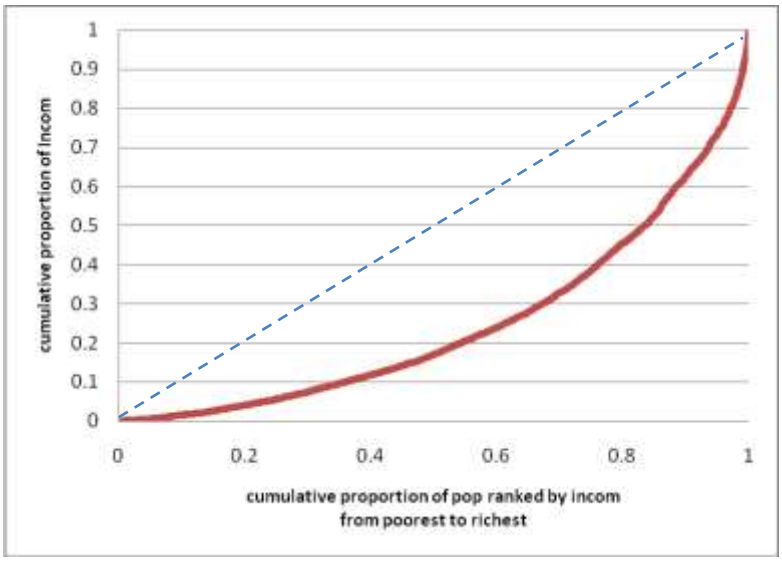

نمودار۱: نابرابری توزیع درآمد در جامعه مورد مطالعه

همچنین منحنی و شاخص تمرکز در توزیع ارتکاب جرم(۰/۷۸۳۱۰۵۶) در جامعه مورد مطالعه نشان داد که ارتکاب جرایم عمدتا بر اقشار فقیر تمرکز داشته و نابرابری بسیار زیادی در توزیع ارتکاب جرم بین اقشار ضعیف و مرفه وجود دارد، بطوریکه در نمودار شماره۲ مشاهده می گردد در وضعیت های درآمدی بالاتر هیچ نوع ارتکاب جرمی در خانوارها صورت نگرفته است.(نمودار۲)

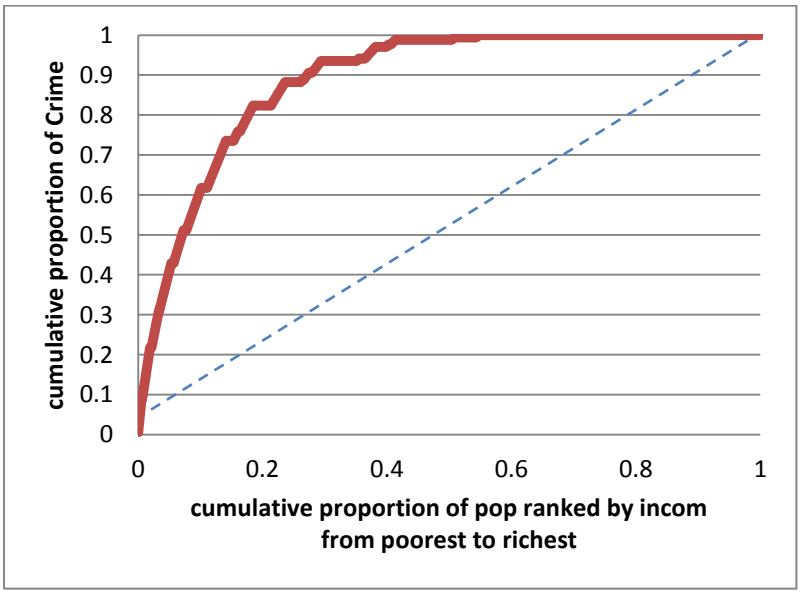

نمودار۲: نابرابری توزیع جرم در جامعه مورد مطالعه

نتایج حاصل از مدل لاجیت بر اساس سنجش ارتباط یک به یک متغیرهای اجتماعی و مواجهه با ارتکاب جرم با فرض ثبات در سایر شرایط نشان داد که در سطح معنی داری۰/۰۵ و نیز ۰/۱، داشتن تحصیلات بالاتر، پایبندی مذهبی خوب در فرد و خانواده، شهرنشینی در مقایسه با روستانشینی، واقع شدن خانوار در پهنه های جغرافیایی به غیر از جنوب شهر، داشتن والدین با تحصیلات بالاتر می تواند شانس مواجهه با ارتکاب جرم را در جامعه مورد مطالعه تقلیل دهد. در مقابل، مطلقه بودن در برابر مجرد بودن، داشتن سوابق ناخوشایندی مثل محکومیت قبلی، فرار از خانه، دوستی با بزهکاران، داشتن اعتیاد و رفتارهای پرخطر، نابسامانی ها و ناسازگاری خانوادگی، سابقه کیفری اعضای خانوار،

مهاجرت، وجود رفتارهای خشونت آمیز در خانواده داشتن سرپرست زن و داشتن بعد خانوار بیش از ۶ نفر می تواند منجر بـه افـزایش شـانس مواجهه با ارتکاب جرم در جامعه مورد مطالعه گردد.(جدول ۲)

نتایج حاصل از مدل لاجیت بر اساس سنجش ارتباط یک به یک متغیرهای اقتصادی و مواجهه با ارتکاب جرم با فرض ثبـات در سـایر شـرایط نشان داد که در سطح معنی داری۰/۰۵ و نیز ۰/۱، واقع شدن خانوار در وضعیت های اقتصادی مطلوب و چارک هـای بـالاتر، اشـتغال فـرد در بخش دولتی یا خصوصی، داشتن مادر شاغل، داشتن والدین بازنشسته، داشتن ملک شخصی و دارا بودن سایر دارایی های مهم می تواند شانس مواجهه با ارتکاب جرم را در جامعه مورد مطالعه تقلیل دهد. در مقابل، اشتغال فرد به مشاغل آزاد، کارگری و کشاورزی، داشتن پـدر بـا شـغل آزاد یا کشاورز، داشتن خانه های ویلائی در مقابل آپارتمان نشینی می تواند منجر به افزایش شانس مواجهه با ارتکـاب جـرم در جامعـه مـورد مطالعه گردد.(جدول ۳)

بحث

تحلیل جرایم از طریق انجام مطالعات آماری و اقتصادی از دو جهت عمده دارای اهمیت می باشد: اول این که، دستیابی به فاکتورهای مناسب اجتماعی و اقتصادی بطور وسیعی بر اقدامات کیفری در هر جامعه ای اثر گذار می باشد. دوم این که، بر طبق نتایج حاصله، اقدامات مناسب برای یک کاهش موفقیت آمیز و پیشگیری موثر از ارتکاب جرائم می تواند توصیه شده و جنبه عملیاتی پیدا نماید.

هر مطالعه ای دارای برخی از محدودیت ها می باشد که این محدودیت ها می بایستی در زمان ترسیم نتایج و تحلیل آن ها مدنظر واقع گردد. مطالعه ما هم دارای یکسری محدودیت هایی است: از آن جا که خود افراد گزارش دهنده وضعیت خود در ارتباط با عوامل اجتماعی و اقتصادی بوده اند، ممکن است که در برخی موارد در اعلام دقیق موضوعات دچار خطا شده باشند که قابلیت سنجش و تشخیص را ندارند و می توانند بر نتایج نهایی مطالعه اثرگذار باشند. نمونه ما محدود به محیط شهرستان مراغه می باشد. طبیعی است که وضعیت اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه مورد مطالعه، نوع جرایم ارتکابی، میزان شیوع و بروز انواع جرایم ممکن است با مناطق مختلف جغرافیایی تفاوت داشته باشد و این امر ممکن است تعمیم یافته های پژوهش حاضر به دیگر شهرها، استان ها و حتی کشور را محدود کند.

در مطالعه ما، تحصیلات به عنوان یک عامل اجتماعی مهم اثرگذار بر ارتکاب جرم شناسائی گردید. به موازات افزایش میزان تحصیلات در جامعه مورد مطالعه (به ویژه در گروه های تحصیلی متوسط و بالاتر)، شانس ارتکاب جرم به طور معنی داری کاهش می یابد. نتایج مطالعات متعدد انجام شده، یافته مطالعه ما را تایید می نماید(Balthazar, 2012- جاودانی،۱۳۹۲- شریفی،۱۳۹۱- هواسی،۱۳۹۰- حامد و پشنگ،۱۳۸۹، Ehrlich, 1973). مطالعه بونانو(۲۰۰۸) نشان داد جرائم علیه اموال، ارتباط معنی دار منفی با درصد جمعیت با تحصیلات بالا دارد (Buonano and Montolio, 2008). مطالعه لوکنر(۱۹۹۹) نشان داد سطح تحصیلات بالا و توانمندی افراد با احتمال پایین رفتارهای مجرمانه ارتباط دارد. توصیه می شود سیاست هائی که مهارت ها و توانائی های جوانان و بزرگسالان را افزایش می دهد همانند تشویق آن ها برای اتمام دوره دبیرستان قادر است اثرات چشمگیری را بر روی جرم داشته باشد (Lochner, 1999). همچنین مطالعه لوکنر و مورتی(۲۰۰۱) نشان داد جرم یک اثر خارجی منفی داشته و هزینه های اجتماعی متعددی را در پی دارد. بنابراین اگر چنانچه تحصیلات، ارتکاب جرائم را کاهش می دهد قطعا دارای فواید اجتماعی بسیار بالائی است که توسط افراد در محاسبات وارد نمی شود. وی همچنین اظهار نموده است که منافع اجتماعی تحصیلات ممکن است از منافع شخصی آن بیشتر باشد(Lochner and Moreti, 2001).

بنابراین مشخص کردن تحصیلات پایین به عنوان یک فاکتور مهم رفتار مجرمانه اجازه می دهد تا سیاست های مناسب و اثربخشی در راستای افزایش سطح تحصیلات و اهمیت کسب علم در مدارس جهت کاهش میزان جرائم، طراحی گردد. بسیاری از علوم متمرکز بر اثرات تحصیلات بر روی جرم واضح می سازد که چگونه تحصیلات، مهارت ها و توانائی های افراد را افزایش داده و در نتیجه، آن ها را به سمت فعالیت ها و اقدامات قانونی سوق داده و باعث می شود رفتارهای غیر قانونی برای آن ها در جامعه "هزینه- فرصت "های زیادی را در پی داشته باشد. همچنین برای عامل تحصیلات در جامعه یک سری منافع دیگری وجود دارد که از آن تحت عنوان "بازده اجتماعی" نام برده می شود. تحصیلات اثرات غیرمستقیم و غیرتجاری نیز دارد که ترجیحات افراد را در جامعه تحت تاثیر قرار می دهد. "اثرات شهروندی" تحصیلات باعث می شود که یک تصمیم مجرمانه برای فرد در جو روانی ایجاد شده در جامعه و افکار عمومی، بسیار پرهزینه باشد.

طبق نتایج مطالعه ما، در کنار تحصیلات فرد، نقش تحصیلات والدین فرد هم در موضوع ارتکاب جرائم مهم می باشد. مطالعه به وضوح نشان داد چنانچه سطح تحصیلات والدین افزایش یابد، به طور چشمگیری نرخ ارتکاب جرم در فرزندان آن ها کاهش خواهد یافت. مطالعه حامد و پشنگ(۱۳۸۹) حکایت از ارتباط مثبت بین کم سوادی و بی سوادی والدین در ارتکاب سرقت داشت(حامد و پشنگ،۱۳۸۹). بر طبق بررسی های انجام شده بر روی ۱۰۰ بزهکار، نشان داده شد ۷۴ درصد از آن ها متعلق به خانواده هائی بودند که پدر بی سواد داشتند و ۹۰ درصد آن ها متعلق به خانواده هائی بودند که مادر بی سواد داشتند(نجفی توانا،۱۳۹۲).

تحصیلات پایین والدین در جامعه باعث رقم خوردن موقعیت های تحصیلی پائین تر برای فرزندان شده و محرومیت های نسبی را برای آن ها تشدید می نماید. به نظر می رسد مسئله بی سوادی مشکل بزرگی است که باید با همیاری مردم و کمک مسئولین به طور جدی با آن مبارزه شود. نه تنها از منظر جرم شناسی بلکه به لحاظ اجتماعی نیز پدیده بی سوادی، مشکل آفرین بوده و از ارتقای سطح سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ممانعت به عمل می آورد و در عین حال در زندگی فردی نیز اثرات بسیار منفی بر جای می گذارد.

از دیگر متغیرهای اثرگذار بر ارتکاب جرم، میزان پای بندی مذهبی فرد و خانواده و میزان آشنایی آن ها با آموزه های دینی بوده است به طوری که مطالعه ما نشان داد هر چه به سمت میزان پای بندی خوب و بیشتر در فرد مورد مطالعه و خانواده وی پیش می رویم شانس ارتکاب جرائم به طور معنی داری کاهش می یابد. مطالعه شریفی(۱۳۹۱) نشان داد بین سطح اعتقادات دینی و انواع جرائم ارتکابی ارتباط

معنی داری وجود دارد (شریفی،۱۳۹۱). همچنین مطالعه هواسی(۱۳۹۰) حاکی از اثرات کاهنده پای بندی مذهبی افراد بر ارتکاب جرم می باشد(هواسی،۱۳۹۰). مطالعه بالتازار (۲۰۱۲) نشان می دهد مشارکت مذهبی افراد به عنوان یک نشانگر مهم اجتماعی در تقلیل میزان بزهکاری و خصوصا جرائم علیه اموال موثر می باشد(Balthazar, 2012). مطالعه اسکورزافیو و سوئارز(۲۰۰۹) نشان داد که فاکتورهای اخلاقی و درصد جمعیت بدون پای بندی مذهبی، اثرات مثبت معنی داری بر جرائم مالی دارند(Scorzafave and Soares, 2009). بنابراین انتظار می رود تلاش در راستای ترویج آموزه های دینی و تعهدات مذهبی افراد و خانواده ها و نیز گسترش نهادهای دینی و مذهبی بتواند در راستای تقلیل جرایم مفید واقع گردد.

از دیگر متغیر های اثرگذار بر ارتکاب جرم، محل سکونت بوده است به طوری که افراد ساکن در شهر شانس پائین تری در مقایسه با روستانشینان برای ارتکاب جرائم داشتند که این یافته با نتایج مطالعه اسکورزافیو و سوئارز (۲۰۰۹) همخوانی ندارد(Scorzafave and Soares, 2009). همچنین مطالعه ما در بین افراد شهرنشین هم نشان داد اقامت افراد در منطقه جنوب شهر که بیشتر محل اسکان و اقامت حاشیه نشینان می باشد در مقایسه با سایر نواحی شهر، شانس بروز ارتکاب جرائم را افزایش می دهد. خانوارهائی که در مناطق حاشیه نشین سکونت دارند از موقعیت های اجتماعی و اقتصادی ضعیفی برخوردار هستند و این موضوع، بستر را برای جرم خیز بودن منطقه فراهم نموده است.

البته در مطالعه ما مهاجرت از روستا و شهرهای اطراف به محیط مورد مطالعه شانس بروز جرائم را افزایش داده است که این یافته هم به لحاظ آماری معنی دار می باشد. لازم به ذکر است که افراد مهاجر عمدتا در حاشیه محیط مورد مطالعه، زندگی می نمایند و بنا به دلایلی که اخیرا به آن ها اشاره شد، عامل مهمی در ارتکاب جرائم محسوب می گردند. برخی از مطالعات انجام شده پیرامون موضوعات ذکر شده، یافته های مطالعه ما را تایید می نماید. از جمله این که در مطالعه حامد و پشنگ(۱۳۸۹) نشان داده شد مهاجر بودن خانواده یا سکونت خانواده در مناطق پائین شهر، باعث ترویج جرم سرقت می گردد(حامد و پشنگ،۱۳۸۹). شاو و مکی معتقدند الگوهای کنترل نشده مهاجرت و ایجاد منطقه هائی که با سایر مناطق در تضاد هستند می تواند از علل وقوع کجرفتاری ها باشد. آن ها در مطالعات خود دریافتند توسعه شهرنشینی در افزایش ارتکاب جرم، رشد فزاینده ای دارد. به نظر آن ها، با رشد شهرنشینی، مهاجرت به این مناطق افزایش یافته و باعث ایجاد تنوع فرهنگی و ارزش های مختلف در جامعه می شود و در نهایت این هنجارها و معیارهای مختلف باعث افزایش فعالیت های بزهکارانه می گردد (Shaw and Mackay, 1969). ناگفته نماند که یک سری مطالعات انجام شده در این زمینه هم حاکی از اثرات غیرمعنی دار مهاجرت بر روی ارتکاب جرم می باشند. برای نمونه مطالعه بونانو و مونتولیو(۲۰۰۸) نشان داد هیچگونه شواهد آشکاری مبنی بر اثر مثبت مهاجرت و شهرنشینی بر ارتکاب جرم یافت نشد(Buonano and Montolio, 2008). همچنین مطالعه بالتازار (۲۰۱۲) نشان داد مهاجرت از اثرات معنی داری بر ارتکاب جرایم علیه اموال برخوردار نبوده اما یک اثر مثبت معنی دار در جرائم خشونت بار دارد (Balthazar, 2012). بر اساس مطالعات سازمان ملل، حاشیه نشینی به عنوان چالش اصلی هزاره سوم خواهد بود که چالش مدیریت شهرها را به دنبال خواهد داشت (نجفی توانا،۱۳۹۲).

در کشورهای در حال توسعه، افزایش جمعیت ناشی از مهاجرت باعث خواهد شد اگر دولت نتواند شرایط لازم توام با توسعه را فراهم نماید، گرایش به انحرافات به ویژه در قشرهای جوان افزایش یابد. با عنایت به ازدیاد پدیده مهاجرت به شهرها در کشور ما چنانچه سیاست های پیشگیرانه مطلوبی به طور هوشمند اجرائی نشود می توان ظهور پدیده های مشکل ساز اجتماعی شدیدی را در آینده شاهد بود.

در مطالعه ما بعد خانوار به عنوان یک متغیر مهم در بروز جرم تشخیص داده شد. به ویژه این که تعداد اعضای خانوار بیش از شش نفر باشد. افزایش تعداد اعضای خانوار باعث کاهش ظرفیت مالی و اقتصادی می شود مخصوصا این که ابعاد خانوار بالاتر در خانوارهائی بیشتر مشاهده می گردد که دارای پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضعیف تری هستند. این امر باعث افزایش مخارج زندگی، تضعیف نظارت و کنترل والدین، محرومیت نسبی فرزندان و افزایش میزان سرباری در خانواده می گردد و می تواند به عنوان یک نشانگر مهم بر ازدیاد جرم در جامعه، اثرگذار باشد. اگر چنانچه توصیه های افزایشی جمعیت در جامعه مدنظر باشد، این امر الزاما باید با تدارک بسترهای لازم در جهت بهبود فاکتورهای اجتماعی-اقتصادی حاکم بر خانوارها صورت پذیرد.

داشتن سوابق نامطلوب همانند داشتن محکومیت قبلی فرد، فرار از خانه، دوستی با افراد بزهکار، داشتن رفتارهای پرخطر، داشتن سابقه اعتیاد فرد به عنوان یک سری نشانگرهای مهم و اثرگذار بر شانس مواجهه با ارتکاب جرم در مطالعه ما نشان داده شد. هم چنانکه یافته های مطالعه نشان داد، میزان موارد مذکور در افراد مجرم نسبت به افراد غیرمجرم قابل توجه بوده است. ارتباط بین سوابق ناخوشایند و ارتکاب جرایم در برخی از مطالعات به اثبات رسیده است، از جمله این که مطالعه هواسی(۱۳۹۰) نشان داد، یک ارتباط معنی داری مابین میزان ارتکاب جرم در بین جوانان با متغیر ارتباط با دوستان مجرم وجود دارد، بدین مفهوم که هر چه رابطه با دوستان بزهکار بیشتر باشد شانس ارنکاب جرم افزایش

می یابد(هواسی،۱۳۹۰). هم چنین وجود ارتباط مثبت بین داشتن عضویت در گروه های بزهکار و افزایش ارتکاب جرم در مطالعات دیگری به تایید رسیده است (پروین و تبریزی، ۱۳۸۸- Buonano and Montolio, 2008). در نظریه یادگیری، ساترلند[1] بر این باور است که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با اغیار یا پیوند افتراقی یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند جنایتکاران آموخته می شود. در واقع فرایند یادگیری رفتار انحرافی به وسیله دوستان فرد مجرم تعیین می شود (ممتاز،۱۳۸۱). مبتنی بر نظریه های روان شناختی، فرد در جریان رشد، رفتارهای صحیح و متقابلا کج رفتاری ها و نیز انگیزه های عمل به رفتار را یاد می گیرد و بیشترین سهم یادگیری را گروه های نخستین و خانواده دارند که دارای روابط چهره به چهره و صمیمانه می باشند. لذا ایجاد پیوندی قوی از طرف خانواده و محیط های تربیتی با افراد و نیز نظارت و کنترل خانواده ها می تواند تعیین کننده باشد.

در بین عوامل اجتماعی، طبق مطالعه ما ویژگی های ناخوشایند خانوادگی همانند وجود رفتارهای خشونت آمیز در خانواده، داشتن سابقه کیفری در سایر افراد خانواده، وجود ناسازگاری های خانوادگی، طلاق در فرد مورد مطالعه شانس ارتکاب جرم در فرد را افزایش می دهد. برخی مطالعات انجام شده، یافته های ما را تایید می نماید(شریفی،۱۳۹۱). مطالعه بالتازار(۲۰۱۲) حکایت از اثر معنی دار بی ثباتی های خانوادگی بر جرائم علیه اموال و جرائم خشونت بار دارد (Balthazar, 2012). کلی(۲۰۰۲) هم بر اهمیت ساختار خانواده بر روی ارتکاب جرم تاکید می نماید(Kelly, 2002). نی(۱۹۸۵) به عنوان نظریه پرداز کنترل اجتماعی، بررابطه خانواده و بزهکار متمرکز شده و بر وجود رابطه معنی دار بین روش های پذیرش و طرد فرزندان از طرف والدین و روش های برخورد با فرزندان با بزهکاری تاکید نموده است (احمدی، ۱۳۸۴). نی معتقد است خانواده پر از تشنج و اختلاف، نقش مهمی در کج رفتاری بازی می کند و در چنین خانواده هائی افراد با جامعه رفتار همنوا نخواهد داشت (ممتاز، ۱۳۸۱، ص۱۲۴). هم چنین برخی مطالعات حاکی از داشتن ارتباط مستقیم مسئله از هم گسیختگی و طلاق با موضوع ارتکاب جرم و بزهکاری می باشند (ستوده، ۱۳۷۸، ص۱۱۱). نیلسون(۲۰۰۴) در مطالعه خود نشان داد که ۱درصد افزایش در نسبت طلاق می تواند ۲۰درصد ارتکاب جرائم علیه اموال را افزایش دهد(Nilsson,2004).

به طور کلی می توان گفت داشتن خانواده متعارف می تواند در تدوین الگوی مناسب برای جامعه پذیری فرد و دستیابی به پایگاه اجتماعی مطلوب در جامعه و نیز داشتن زندگی سالم نقش به سزائی داشته باشد.

مطالعه ما حکایت از شانس افزایش ارتکاب جرم در خانوارهای با سرپرست زن داشت. احتمالا جنسیت سرپرست خانوار از طریق نقش اقتصادی که در خانوار دارد بتواند بر ارتکاب جرم اثر گذار باشد. در کشورهای در حال توسعه و با درآمد پایین معمولا شانس حضور زنان سرپرست خانوار در بازارهای کار و فرصت اشتغال و درآمدزایی کمتر است و بنابراین خانوارهای با سرپرست زن به احتمال زیاد از ظرفیت مالی ضعیفتر برخوردار بوده و از احتمال بالاتری تری در مواجهه با ارتکاب جرایم با انگیزه های اقتصادی برخوردار باشند.

نتایج مطالعه ما نقش مهم نابرابری های درآمدی را در مواجهه با ارتکاب جرم به تصویر کشیده است. در مطالعه ما نشان داده شد نابرابری های توزیع درآمدی در جامعه مورد مطالعه عموما به نفع اقشار ثروتمند جامعه پیش رفته است در صورتی که ارتکاب جرائم، تمرکز بر چارک اول درآمدی و اقشار بسیار ضعیف درآمدی دارد. مطابق یافته های مطالعه ما، با بهبود وضعیت های درآمدی و نیز داشتن دارائی ها و مالکیت مسکن، شانس مواجهه با ارتکاب جرم در جامعه تقلیل می یابد. نتایج مطالعات متعدد انجام شده حکایت از وجود ارتباط قوی بین نابربری های درآمدی و موضوع ارتکاب جرم در جامعه دارد. بالتازار(۲۰۱۲) در مطالعه خود شواهدی مبنی بر اینکه نابرابری های درآمدی و فقر، یک فاکتور معنی دار با ثبات در میزان جرائم علیه اموال و جرائم خشونت بار محسوب می گردند، را ترسیم نموده است(Balthazar, 2012). کلی(۲۰۰۰) در تبیین روابط بین نابرابری و جرم نشان داد جرائم توام با خشونت به طور زیادی متاثر از نابرابری های اجتماعی- اقتصادی در جامعه بوده و نیز جرائم علیه اموال به طور قوی رابطه مثبت با موضوع فقر دارد (Kelly, 2000). دمومبینس و اوزلر(۲۰۰۲) در مطالعه خود دریافتند نابرابری های درآمدی اثر مثبت معنی داری بر جرائم خشونت بار و جرائم علیه اموال دارد و نیز نابرابری های اجتماعی- اقتصادی یک نشانگر مهم در جرائم خشونت بار قلمداد می گردد (Demombynes and Özler,2002). نیلسون(۲۰۰۴) نیز در مطالعه خود از اثر مثبت معنی دار فقر بر سطوح جرم پرده برداشته است (Nilsson, 2004). کما آن که اسکورزافیو و سوئارز(۲۰۰۹) به ارتباط نابرابری های درآمدی و جرائم مالی صحه گذاشتند (Scorzafave and Soares, 2009). نتایج مطالعه وروائی و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد از بین ۲۰ عامل ممکن در گرایش افراد به روسپیگری، عامل اقتصادی با داشتن نقش ۲۰ درصدی به عنوان موثرترین و غیر قابل انکارترین عامل در وقوع چنین جرائمی شناخته می شود (وروائی و همکاران،۱۳۸۹). نقش فقر و نابرابری های درآمدی در افزایش شانس بروز جرائم همچنان در برخی مطالعات دیگر برجسته می باشد(Fawles and Merva, 1996). مطالعه اوموتور(۲۰۱۰) هم نشان داد درآمد به عنوان یک متغیر اقتصادی، اثر مثبت معنی

[1] Sutherland.E

داری بر ارتکاب جرم دارد(Omotor, 2010). مطالعات مشابهی نیز وجود دارند که ارتباط مثبت معنی دار را بین وضعیت درآمدی و بروز انواع جرائم به تصویر کشیده اند(Carmichael and Ward, 2001- Kustepeli and Onel, 2006).

در ارتباط با اثرات نابرابری های درآمدی بر روی جرم می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- اول این که نابرابری درآمدی باعث گرایش افراد به بزهکاری می شود، چرا که فرد موجود در طبقات فقیر احساس محرومیت نسبی می نماید.
- دوم این که نابرابری های درآمدی زمانی باعث ایجاد جرم می شود که فرد مجرم در راستای دستیابی به اهداف و آرمان های جذاب خود و از بین بردن فاصله های موجود دست به ارتکاب جرم می زند.
- سوم این که اثر نابرابری ها بر روی جرم در حقیقت از این واقعیت نشات می گیرد که سطوح بالای نابرابری باعث تمرکز فقر در یک نواحی خاصی می گردد. از آن جا که بچه های خانواده های فقیر بیشترین ریسک ارتکاب جرائم را دارند، شکل گیری رفتارهای بالقوه مجرمانه و خیال پردازی های ناشی از فقر در آن ها جنبه عملیاتی پیدا می نماید.

برخی از مطالعات نشان می دهند که تغییرات در درآمد می تواند جرم را به سه طریق تحت تاثیر قرار دهد:

- اول این که کاهش درآمد باعث نیاز به عایدات از فعالیت های غیرقانونی می شود که از آن تحت عنوان" اثرات انگیزشی" یاد می گردد(Grogger, 1998 - Machin and Meguire, 2000 -Gould and et al, 2002).
- دوم اینکه افزایش درآمد باعث می شود هزینه- فرصت افراد برای ارتکاب رفتارهای مجرمانه بیشتر شود که از آن تحت عنوان "اثر فرصتی" نام برده می شود (Levit, 1999).
- در نهایت، سومین راه، تحت عنوان "اثر فعالیت معمول" می باشد که مشخص می سازد یک مقدار افزایشی در درآمد، منجر به فعالیت های بیرون از خانه می شود و بنابراین احتمال وقوع رفتارهای مجرمانه را افزایش می دهد(Beki and et al, 1999).

مطالعه ما ارتباط معنی داری را بین متغیر اشتغال یا بیکاری و میزان ارتکاب جرم در افراد مورد مطالعه نشان نداد، اما به وضوح مشخص نمود که اشتغال فرد در بخش های دولتی و خصوصی اثرات کاهشی معنی دار و در مقابل، اشتغال فرد در بخش های آزاد، کارگری و کشاورزی، اثرات افزایشی معنی دار بر شانس مواجهه با ارتکاب جرم دارد. هم چنین مطالعه ما نشان داد افرادی که دارای مادران بیکار می باشند، از احتمال بیشتری برای ارتکاب جرم برخوردارند و در مقابل، افرادی که مادرانشان شاغل یا فوت شده می باشند، شانس بروز جرم در آن ها کمتر می باشد. هم چنین نتایج مطالعه ما نشان داد افرادی که شغل والدین آن ها بصورت آزاد می باشد، شانس بالاتری را در مقایسه با افراد دیگر در مواجهه با ارتکاب جرم دارا هستند. به نظر می رسد اشتغال افراد در بخش های دولتی و خصوصی، توام با متوسط درآمد بالا و نیز داشتن پایگاه اجتماعی خوب است. لذا انتظار می رود این گونه افراد به دلیل این که ارتکاب جرم برای آن ها هم از حیث اقتصادی و هم از حیث روانی در جامعه دارای هزینه فرصت بالائی باشد، کمتر دست به اقدامات مجرمانه زنند و از سوی دیگر، این افراد به دلیل داشتن نشانگرهای اجتماعی خوب از قبیل سطح تحصیلات، فرهنگ، خانواده با ویژگی های مطلوب، کمتر به سمت ارتکاب جرم می روند.

نتیجه گیری

مطالعه ما وجود نابرابری زیاد در توزیع درآمد و نیز ارتکاب جرایم را در گروه های "شاهد و مورد"، جامعه مورد مطالعه به تصویر کشید. همچنین این مطالعه نشان داد چگونه نابرابری های اجتماعی و اقتصادی می تواند بر روی شانس مواجهه افراد با ارتکاب جرایم اثرگذار باشد. مطالعه ما اهمیت کار بر روی نشانگرهای مهم اجتماعی و اقتصادی در جهت کاهش ارتکاب جرایم و نیز تدوین راهکارها و توصیه های سیاستی صحیح به منظور ایجاد جامعه ای سالم را به تصویر کشید. بر طبق یافته های مطالعه، کاهش نابرابری های درآمدی از طریق اعمال سیاست های حمایتی مناسب و هدفمند و توزیع عادلانه درآمدی در کشور و در نهایت کاهش شکاف طبقاتی، اتخاذ سیاست های راهبردی مبنی بر ایجاد شغل های مناسب و قانونمند در جامعه و تلاش در راستای تقلیل نرخ بیکاری مخصوصا در بین جوانان و اقشار آسیب پذیر، اجرای سیاست های فقرزدایی در مناطق مختلف کشور مبتنی بر شیوه های متناسب، تلاش در راستای افزایش سطح اعتقادات دینی و مذهبی و توسعه این نوع برنامه ها و ایجاد زیرساخت های لازم در جامعه، ترویج آموزه های دینی و آشنا نمودن افراد با آن ها و جلب مشارکت مردم مخصوصا قشر آسیب پذیر جوان، داشتن روابط صمیمانه والدین و اعضای خانوار بدور از رفتارهای خشونت آمیز در خانوارها، ایجاد محیط خانواده به عنوان یک فضای بانشاط به دور از تنش های و ناسازگاری های خانوادگی، نظارت خانواده ها و دقت لازم در انتخاب دوستان مناسب توسط فرزندان، افزایش حساسیت خانواده ها و جامعه در قبال فرزندان مبنی بر اهمیت دوری آن ها از گرایش به سمت رفتارهای پرخطر و اعتیاد به مواد مخدر، حفظ انسجام خانوادگی و تلاش برای اجتناب از از هم گسیختگی خانواده به منظور ممانعت از آسیب پذیر بودن فرزندان و اعضای خانواده، بستر سازی مناسب در راستای تقلیل نابرابری توزیع فرصت ها در جامعه و تلاش برای ارتقای میزان تحصیلات در بین اقشار

مختلف جامعه، تقویت زیرساخت های فرهنگی و آموزشی در مدارس و دانشگاه ها و توجه خانوارها به تناسب گسترش بعد خـانوار بـا وضـعیت اقتصادی و اجتماعی حاکم بر آن می تواند در جلوگیری از بروز جرائم مثمرالثمر باشد.

منابع فارسی:

- احمدی خراسانی، نوشین، جنس دوم(مجموعه مقالات)، زن و مواد مخدر در ایران. جلد چهارم. تهران. چاپ غزال. ۱۳۷۷

- برنامه پنج ساله چهارم توسعه اقتصادی،اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.تهران. ۱۳۸۴

- پروین، ستار، محسنی تبریزی، علیرضا. بررسی عوامل موثر بر سرقت در نوجوانان شهر کرمانشاه، جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره پیاپی ۳۵، شماره ۳. ۱۳۸۸

- سالنامه آماری، مرکز آمار ایران طی سال های ۱۳۸۱-۱۳۷۵.

- جاودانی، حاجی. پیشگیری از جرم با شناخت عوامل اقتصادی موثر بر آن، روزنامه دنیای اقتصادف شماره ۳۰۵۶، بتاریخ۱۳۹۲/۸/۳

- حامد بیتا، پشنگ سپیده. بررسی دلایل اقتصادی و اجتماعی و انتظامی سرقت در شهر کرمانشاه. فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۶، دوره پنجم، پاییز ۱۳۸۹، صفحات ۶۰-۲۷.

- ستوده، هدایت اله، بهاری، سیف اله،آسیب شناسی خانواده، تهران، چاپ اول، انتشارات ندای آریانا. ۱۳۸۶

- شریفی ادیب، بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی مرتبط با جرم: مورد مطالعه شهر سرپل ذهاب. پایان نامه کارشناسی در رشته علوم اجتماعی. دانشگاه پیام نور مرکز اسلام آباد غرب. ۱۳۹۱

- عبادی فردآذر ف.،رضاپور ع.، اقتصاد مراقبت سلامت،چاپ دوم،تهران، انتشارات عبادی فر ۱۳۹۲.

- ممتاز، فریده. انحرافات اجتماعی، نظریه ها و دیدگاه ها، چاپ اول، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار،۱۳۸۱. ص ۱۲۴-۹۰

- نجفی توانا، علی، جرم شناسی، چاپ شانزدهم، انتشارات آموزش و سنجش. ۱۳۹۲

- وروایی، اکبر و همکاران، بررسی تاثیر عوامل اقتصادی بر گرایش به ناهنجاری اجتماعی و راهکارهای انتظامی - اجتماعی پیشگیری از جـرم، فصلنامه علمی پژوهشی انتظام اجتماعی، سال دوم، شماره اول. ۱۳۸۹

- هواسی علی، بررسی رابطه بین عوامل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی موثر بر جرم در بین جوانان دره شهر درسا، ۱۳۹۰.
قابل دسترسی در سایت:

havasi1356.blogfa.com/post-87.asp

References:

-Balthazar, Kristin.R. (2012). The Socioeconomic Determinants of Crime: the Case of Texas, MSc Dissertation in Economics, Universidade Católica Portuguesa

-Beki, C., Zeelenberg, K., Van Montfort K., (1999), ‘An Analysis of the Crime Rate in the Netherlands’, British Journal of Criminology, Vol. 39, No.3, pp. 401-415.

-Buonanno. P,Montolio. D,(2008),Identifying the Socioeconomic Determinants of Crime across Spanish Provinces, International Review of Law and Economics - 28,PP 89-97

-Carmichael, F. and R. Ward (2001) Male Unemployment and Crimes in England and Wales. Economics Letter 73:111-115

-Chiricos ,T. ,(1987) Rates of Crime and unemployment : An analysis of aggregate research evidence, Social Problems , Vol.34 , pp. 187-212.

-Corman , H. , Joyse , T. ,Lovitch, N. ,(1987) ` Crime , deterrence, and the business cycle in New York : A VAR approach`, The review of Economics and Statistics , Vol.69 , No. 4 , pp 695-700.

-De Oliveira, A. , (2003) , Violence in the Capital of Brazil: An Analysis based on the Economic Model of crime, Department of Economics, University of Brasilia WP 295.

-Demombynes, Gabriel, and Berk Özler (2002), "Crime and Local Inequality in South Africa", Policy Research Working Paper no. 2925.

-Ehrlich,I(1973).Participation in Illegitimate Activities:A Theoretical and Empirical Investigation, Journal of Political Economy,81(3):521-565.

-Fowles, R. & Merva, M. 1996, 'Wage inequality and criminal activity: An extreme bounds analysis for the United States 1975-1990', Criminology, vol. 34, no. 2, pp. 163-182.

-Funk,P. , Kugler, P. , (2003) , ` Identifying efficient crime-combating policies by VAR models : The example of Switzerland`, Contemporary Economic Policy, Vol.21, No.4 ,pp. 525-538.

-Gould, E. D., Weinberg, _., Mustard, D., (2002), 'Crime Rates and Local Labor Market Opportunities in the United States: 1977-1997', Review of Economics and Statistics, Vol. 84, No. 1, pp. 45-61.

-Grogger, J., (1998), 'Market wages and youth crime', Journal of Labor Economics, Vol. 16, No. 4, pp. 756-791.

-Imohoroglu , A. , Merlo , A. ,Rupert P. ,(2000) , On the Political Economy of Income Redistribution and crime, International Economic Review, Vol. 41 , pp 1-25.

- Kelly, Morgan (2000), "Inequality and Crime", *The Review of Economics and Statistics*, 82(4): 530-539.

-Kustepeli, Y. and Onel, G. (2006) "Different Categories of Crime and their Socio-Economic Determinants in Turkey: Evidence from Vector Error Correction Model, a vailable from: www4.ncsa.edu/~gonel/docs/crime_kustepeli_onel.pdf. [10/18/2008]

-Levitt, S., (1999), 'The Changing Relationship between Income and Crime Victimization', Federal Reserve Bank of New York Policy Review, Vol. 5, No. 3, pp. 87-98.

- Levitt,S. ,(1996), ` The effect of prison Population Size on Crime Rates : Evidence from prison Overcrowding Litigation, Quartley journal of Economics , Vol.111, pp.319-351.

-Lochner, L., (1999). "Education, Work and Crime: Theory and Evidence",Working Paper No. 465, Center for Economic Research (RCER)- University of Rochester.

-Lochner, L. and E. Moretti (2001). "The effect of education on crime:evidence from prison inmates, arrests, and self-reports", NBER WorkingPaper no. 8605.

-Machin, S., Meghir C., (2004), 'Crime and Economic Incentives', Journal of Human Resources, Vol. 39, No. 4, pp. 958-979.

-Nilsson, Anna (2004), "Income Inequality and Crime: The Case of Sweden", IFAU Working Paper no. 2004:6.

-Omotor, Douglason . G(2009).Socio-economic Determinants of Crime in Nigeria. Pakistan Journal of Social Sciences 6 (2): 54-59

-Pudney , S. ,Deadman , D. , Pyle D. ,(2000), `The Relationship Between crime,Punishment and Economic Conditions: Is Reliable Inference Possible When Crimes Are Under-Recorded?, Journal of the Royal Statistic Society Series A(Statistics in Society) ,Vol. 163, No.1, pp 81-97.

-Scorzafave, Luis Guilherme, and Milena Karla Soares (2009), "Income Inequality and Pecuniary Crimes", *Economic Letters*, 104: 40-42.

-Shaw, C. R., & Mckay, H. D., Juvenile delinquency and urban areas (Rev. ed), Chicago; university of Chicago Press,1969.

-Su, T.T., B. Kouyaté, and S. Flessa, *Catastrophic household expenditure for health care in a lowincome society: a study from Nouna District, Burkina Faso.* Bulletin of the World Health Organization, 2006. 84(1): p. 21-27.

-www.farsnews.com